

کارنامه هزاره دوم و برنامه هزاره سوم

فرا روایت‌های «کاستلز»

در عصر اطلاعات*

قدیر نصری

«زیگانگ» جواب داد: البته، مگر نیستید؟

کنفوسیوس گفت: به هیچ وجه، من فقط به رشته‌ای دست یافته‌ام که بقیه رشته‌ها را به هم پیوند می‌دهد.

کتاب «عصر اطلاعات» در سه مجلد و به قلم امانوئل کاستلز استاد اسپانیایی الاصل تألیف و به همت گروهی از مترجمین ایرانی ترجمه و توسط انتشارات طرح نو منتشر گردیده است. عنوان اصلی کتاب، «عصر اطلاعات» است، ولی به فراخور موضوع و

مقدمه

«من به واقع بر این باورم که در پایان هزاره دوم، جهانی نو در حال سربرآوردن است، اما این نکته‌ای نیست که در نظر دارم؛ سخن اصلی من آن است که این که شما باور نداشته باشید که این جهان، یا هر یک از جنبه‌های آن نو و تازه است واقعاً اهمیتی ندارد، تحلیل من قایم به ذات است. اگر زیر سقف آسمان جهان همه چیز نو نباشد، چرا باید خود را برای بررسی، اندیشیدن، نوشتن و خواندن دوباره آن به خطر اندازیم؟

امانوئل کاستلز

کنفوسیوس: به نظر شما من مردی عالم و فرهیخته هستم؟

* . مقاله حاضر نقد و بررسی کتاب زیر است:

امانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ۳ ج، ترجمه جمعی از مترجمین، (تهران: طرح نو، ۱۳۸۰).

محتوای کتاب، هر کدام از مجلدات آن به عنوان خاصی نامگذاری شده است. عناوین دقیق جلد‌های سه‌گانه کتاب عبارت‌اند از:

- جلد اول: «عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای»، ترجمه احد علیقلیان؛

- جلد دوم: «عصر اطلاعات؛ قدرت هویت»،

ترجمه حسن چاووشیان؛

- جلد سوم: «عصر اطلاعات؛ پایان هزاره»،

ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز.

درباره نویسنده

امانوئل کاستلز استاد دانشگاه برکلی در کالیفرنیا است. او در سال ۱۹۴۲ میلادی در اسپانیا متولد شد. کاستلز متخصص و صاحب‌نظر در درس برنامه‌ریزی و طراحی است و می‌تواند با مطالعه رویدادها، فرآیندهای کلی جامعه جهانی را برآورد نماید. تحلیل‌های او در خصوص روند انباشت سرمایه و تحول موضوع و منطقه قدرت در جهان، گویای تعلق فکری او به مارکسیست‌های اروپایی است. مارکسیست‌های اروپا دارای طیف‌های مختلفی بودند. کاستلز به طیف ساختگرایان که عموماً فرانسوی هستند، تعلق دارد. آلتوسر از الگوهای فکری کاستلز است و این قرابت فکری باعث شده است تا او از منظر مارکسیستی و با محوریت آلتوسری به تبیین تحولات هزاره دوم بپردازد. کاستلز با این ویژگی‌های فکری، در «عصر اطلاعات»

می‌کوشد تا با تبیین میزان، نوع، ریشه و شیوه تحولات حیرت‌انگیز جهان، حیات انسانی را تصور و ترسیم کند. حاصل این مبنای فکری، بنای مکتوبی است که محورهای اساسی آن به شرح زیر است:

جلد اول: عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه

شبکه‌ای

کاستلز جلد نخست کتابش را به جامعه شبکه‌ای^۱ اختصاص داده است. جامعه شبکه‌ای مرکب از هفت فصل و یک نتیجه‌گیری است. تمام تلاش هفت فصل مذکور اثبات این نکته است که در اثر سه آفرینند انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی، و نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نظیر طرفداری از محیط زیست و حقوق زنان، جامعه جهانی به نحوی سابقه‌ای به هم دوخته و شبکه‌ای شده است. پس به اعتقاد کاستلز، جامعه شبکه‌ای مولد سه تحول ساختاری فوق می‌باشد، اما مسئله اصلی کاستلز نه ریشه تکوین که شیوه تداوم این فرآیند است. بر این اساس او ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای را برمی‌شمارد و معتقد است که این ویژگی‌ها باعث شده است معنا و مفهوم زندگی در هزاره سوم دگرگون شود.

ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای (محور اصلی

1. Network Society

جلد اول) عبارت اند از:

ذاتی جامعه شبکه ای است.

۱) اقتصاد اطلاعاتی

اقتصاد اطلاعاتی^۲ به اقتصادی گفته می شود که در آن، سازمان اجتماعی و اقتصادی اعم از تولید، پردازش و انتقال اطلاعات متکی به اطلاعات است و اطلاعات به عنوان سرچشمه اصلی بهره وری و قدرت به شمار می آید. اقتصاد اطلاعاتی یا جامعه اطلاعات غیر از اقتصاد یا جامعه بهره مند از اطلاعات است. بهره مندی اطلاعات در زمینه اقتصاد و اجتماع محدود به هزاره جدید نیست، بلکه در قرون وسطی هم از این قبیل اطلاعات استفاده می شد، منتها ویژگی ممتاز و مهم عصر جدید این است که در عصر کنونی، اطلاعات مبنای قدرت و زندگی شده است.

۲) جهانی شدن اقتصاد

اقتصاد جهانی ناظر بر گونه ای از مبادلات و روابط تجاری است که آثار و عوارض و محصولات آن در سراسر جهان پدیدار است. در این اقتصاد، فقط بخش ها، بازارها و افراد غنی به یکدیگر متصل هستند و در قالب یک چرخه تولید سود همکاری می کنند. ضمن اینکه در اقتصاد جهانی، همه بخش های کره زمین مشارکت ندارند. حضور عده ای کثیر که فاقد حق و توان مشارکت هستند از خصایلی

۳) فعالیت های اقتصادی شبکه ای

این ویژگی در نگاه اول با ویژگی قبل مشابه به نظر می رسد، ولی تفاوت های مهمی بین این دو وجود دارد بدین صورت که فعالیت های اقتصادی، سازمان و منطق خاصی پیدا کرده است و در قالب یک بنگاه عظیم قادر است تمامی سازمان ها و تشکیلات دیگران را در درون خودش هضم نماید. نمونه این قبیل فعالیت های شبکه ای عبارت اند از: شرکت های چند ملیتی، اتحادهای استراتژیک میان مؤسسات بزرگ، شبکه فعالیت های اقتصادی و تجاری که به وسیله دولت ها حمایت می شوند، ارتباطات میان بنگاه های خصوصی، شبکه های تولید و توزیع مواد مخدر و کالای قاچاق و شبکه فعالیت های اقتصادی دولتی. همه عوامل مذکور در قالب جریانی عظیم و تعیین کننده فعالیت می کنند، نوع فعالیت آنها، اقتصادی و با محوریت منفعت است.

۴) تحول شیوه انجام کار و نوع اشتغال

روابط کار که در گذشته در ساختارهای گسترده صنعتی یا اداری میان کارگر - کارفرما و یارئیس - مرئوس برقرار بود، اکنون جای خود را به روابط انعطاف پذیر و با حجم کوچک داده

2. Informational Economy

است. به عبارت دیگر، روابط سابق منعطف شده و ساختارهای بزرگ پیشین کوچک شده‌اند. این مثال تبدیل به مثل مشهوری شده است که امروزه می‌توان وزارت دارایی آمریکا در ۳۰ سال پیش را در یک ساختمان متوسط سه طبقه‌ای جمع کرد و در عین حال فضای خالی برای اپرا و تیس را هم داشت! امروزه شغل‌ها

به صورت غیرحضور، دوراندیشانه و براساس حدس و تخمین شده است. شیوه‌های خوداشتغالی، کارپاره‌وقت و اشتغال برای یک دوره موقت رواج یافته است. شرکت‌های بزرگ از تعداد کارکنان خود می‌کاهند و با خردکردن پروژه‌های عظیم به مقاطعه‌های کوچک سعی دارند در کمترین زمان بیشترین عایدات را کسب نمایند. اعتمادشغلی فوق‌العاده کاهش پذیرفته و استخدام‌های بلندمدت و بیمه پایدار کارمندان توسط دولت بسیار کم شده است که جزئیات و نمونه‌های عینی این امر در فصل چهارم به تفصیل بیان شده است.

۶) فرهنگ مجازی

پیش از این، معمولاً نوع گویش، برخورد، باور، نگاه و... به مثابه نمادهای فرهنگی برای بیان وجوه مشترک یا متفاوت بود، اما امروزه واسطه‌های الکترونیک، ارتباط با مخاطب‌ها را کاملاً دگرگون نموده‌اند. افزایش کمی، تحول کیفی و نهایتاً تغییر گسترده در شیوه انتقال و دریافت پیام باعث رونق فرهنگ مجازی گردیده است. رایانه‌ها و سایر حساسه‌های الکترونیک، تعادل عاطفی و دیداری افراد را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند که شیوه‌ها، ویژگی‌ها و نمونه‌های آن در فصل پنجم این کتاب بررسی شده است.

۷) سیاست برپال رسانه

نیازمندی فوق‌العاده و بی‌سابقه به رسانه‌ها بین کسانی که می‌خواهند در تحولات سیاسی، بازیگر مؤفقی باشند، اعتبار و عظمت نوینی به رسانه‌های دسته‌جمعی به ویژه رسانه‌های دیداری بخشیده است بدین مضمون که رسانه هم ابزار سلب محبوبیت است و هم وسیله مهم کسب رضایت. مؤثرترین ابزار فعالیت سیاسی

۵) ظهور قطب‌های متقابل

جامعه شبکه‌ای باعث شده است تا قواعد کلاسیک توزیع ثروت و قدرت متحول شود. در جامعه اطلاعاتی، ملک و ثروت اهمیت چندانی ندارد، بلکه هر دو وابسته به اطلاعاتی است که در نزد صاحبان آن پراکنده است. از این رو، دیگر نهادها آن اعتبار سابق را ندارند و

تفصیل نقل شده است. نکته پایانی این کتاب ۶۳۰ صفحه‌ای، نتیجه‌گیری نویسنده است که در نوع خود جالب به نظر می‌رسد. نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که فصل ممتاز دوره قرون اطلاعات از عصر وسطی و کلاسیک این است که عنصر فرهنگ به طور بی‌سابقه‌ای احیا گردیده و به مرجع تبدیل شده است. به عبارت دیگر، در اعصار کهن طبیعت بر فرهنگ سلطه داشت و قوانین سازمان اجتماعی در واقع مبارزه بشر برای ادامه حیات در برابر خشونت مهارناپذیر طبیعت بود. این معادله در عصر مدرن خاتمه پذیرفت؛ یعنی بشر با تسلط بر طبیعت، قواعد جدیدی را در عرصه گیتی پیاده نمود که به طور کلی متفاوت از عصر قدیم است. اما در آغاز هزاره سوم، وضعیت جدیدتری حاکمیت می‌یابد. بدین صورت که ما در آستانه ورود به مرحله‌ای هستیم که در آن مرجع فرهنگ خود فرهنگ است و در پیروزی بر طبیعت تا جایی پیش رفته است که طبیعت را به عنوان یک شکل فرهنگی احیا (حفظ) می‌کند. در واقع معنای جنبش طرفداری از محیط زیست این است که می‌خواهد طبیعت را به عنوان یک شکل فرهنگی آرمانی بازسازی کند. «جامعه شبکه‌ای» را می‌توان در قالب یک جمله کوتاه تلخیص نمود و آن این که «تاریخ تازه آغاز شده است.»

در این صحنه، بهره‌گیری از پیام‌های دارای محتوای منفی است و مؤثرترین پیام‌های منفی عبارت‌اند از: افشاگری‌ها، بازگویی رسوایی‌های اخلاقی و مالی، برجسته کردن فقدان مشروعیت سیاسی و نقاط ضعف دیدگاه‌های رقیب. اصطلاح «سیاست بربال رسانه» عنوانی است دقیق و جامع برای تبیین تحول رعدآسای رسانه‌ها و آویختگی اهل سیاست بر ابزارهای اطلاع‌رسانی که توسط ویراستار توانای این مجموعه انتخاب گردیده است.

۸) مرز ابدیت؛ زمان بی‌زمان

پیام و عصاره اصلی این فصل عبارتست از محو شدن فاصله زمانی و مکانی به واسطه گسترش و پیچیدگی ابزارهای اطلاع‌رسانی. نویسنده با ذکر مثال‌های گوناگون در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یادآور می‌گردد که نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی جهانی صنعتی به یمن دانش اطلاعاتی از بین رفته است. لذا «حضور در مکان» معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین‌کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری باشد. بدیهی است دنیای به هم فشرده و بدون زمان و مکان، ویژگی‌ها و پیامدهای خاصی دارد که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته و شواهد عینی هر کدام به

«قدرت هویت» می‌خواهد شیوه تکوین و حاصل تداوم چنین نیروهایی را معرفی و تحلیل نماید.

رهیافت مورد استفاده کاستلز در این جلد، تحلیل تجربی رویدادهاست و صبغه نظری آنها بسیار اندک است. نویسنده به صراحت می‌گوید که نظریه‌ها وسیله‌ای برای فهم جهان هستند، نه غایتی برای لذت فکری شخصی (ج ۲، صص ۲۰ - ۱۹). با این فرض کاستلز به تعبیر خودش می‌خواهد خواننده را راحت کرده و فقط متوجه رویدادها و اسرار نهفته در آنها بنماید.

این جلد متشکل از شش فصل است که وجه مشترک همه آنها، تبیین ابعاد متمایز کننده جریان‌های معاصر است که در مقابل نیروی جبری جهانی شدن مقاومت می‌کنند. فصل اول تحت عنوان «هویت و معنا در جامعه شبکه‌ای» به جماعات فرهنگی می‌پردازد که با ابتدای بر مبنای دینی، ملی و یا منطقه‌ای در مقابل جهانی شدن ایستادگی می‌کنند. این جماعت‌ها مانند بنیادگرایان، حول مجموعه معینی از ارزش‌ها سامان یافته‌اند که معنا و سهم این ارزش‌ها توسط عوامل بومی تعیین می‌شود، نه توسط ارزش‌های بیرونی. مجدداً تأکید می‌شود که بنیادگرایان دینی، ملی‌گرایان فرهنگی و جماعت‌های منطقه‌ای، روی هم رفته، واکنش‌های تدافعی هستند که علیه نهادها و ابزارها و رسانه‌های یکسان‌ساز بسیج شده‌اند و

جلد دوم: عصر اطلاعات؛ قدرت هویت

به موازات تسطیح تفاوت‌ها و یکسان‌سازی تمایزها توسط ماشین، نهضت‌های نوینی هم ظهور کرده‌اند که بسیار اصیل، ریشه‌دار و اثربخش هستند. این نهضت‌های اصالت‌جو همچون شرکت‌های عظیم از امکانات و ابزارهای هزاره دوم استفاده می‌کنند تا در هزاره سوم فراموش و هضم نشوند. آنها در پی هویت دینی، ملی، جنسی، قومی، منطقه‌ای، اجتماعی و زیست‌محیطی خویش هستند و می‌خواهند همچنان یکتا بمانند و لذت را نه در انسجام بلکه در انفکاک می‌جویند.

جلد دوم کتاب، کاوشی است ژرف‌نگر که کشف خطوط تمایز و هویت ملت‌ها را بررسی می‌کند. کاستلز عنوان این جلد را «قدرت هویت» نهاده و ذیل این عنوان، به شناسایی جریان‌ها و اندیشه‌هایی می‌پردازد که در نظر و عمل خواهان ادغام و حذف نیستند و می‌کوشند با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین ابزارها، هویت یگانه خود را حفظ نموده و حتی اعتلا بخشند. وجه مشترک همه نیروهای هویت‌محور این است که مورد حمله و تهدید نیروهای اقتصادی دگرگون‌ساز قرار گرفته‌اند و برای مقابله با این فرایند، به خدا، خانواده، سرزمین، اسطوره‌ها، قوم، نژاد و... متوسل می‌شوند و از آنها به مثابه سنگر مقاومت در قبال سیل بُن‌برکن «جهانی شدن» استفاده می‌کنند. کاستلز با طرح بحث

فصل اول کتاب حاضر به تشریح تجربی آنها در امریکا و جمهوری های شوروی سابق می پردازد. «چهره دیگر کره زمین: نهضت های اجتماعی علیه نظم نوین جهانی» عنوان فصل دوم است که به صورت توصیفی و تجربی، نیروهای معارض و مخالف جهانی شدن را تشریح می کند. گروه ها و تشکل هایی چون زاپاتیست ها در مکزیک، نهضت میهن پرستی در آمریکا و راهبان آخرالزمان در ژاپن از جمله گروه هایی هستند که دارای عقایدی ویژه بوده و در مقابل نظم نوین جهانی مقاومتی مسلحانه می کنند. کاستلز از این نهضت ها که بخش مهمی از جمعیت کشورها را با خود همسو نموده اند، به عنوان چالش های جهانی شدن یاد می کند.

فصل سوم تحت عنوان «نهضت محیط زیست»، به خاستگاه و خواسته های اکولوژیست ها اختصاص دارد. کاستلز ضمن توضیح فعالیت های محیط زیست گرایان، از گسترش حوزه و تعمیق کیفیت مبارزه اکولوژیست ها بحث می کند. به عقیده او، از دهه ۱۹۶۰ به بعد محیط زیست گرایی، دیگر دل مشغول تماشای پرندگان، نجات جنگل ها، و پاکیزه سازی هوا نبوده است. اقداماتی علیه دفع زباله های سمی، حقوق مصرف کنندگان، اعتراض های ضد هسته ای، فمینیسم و شماری از مسایل دیگر با دفاع از طبیعت ترکیب شده اند تا ریشه این نهضت ها را به گستره وسیع تری

بکشانند. آنها علیه تبعیض های محیطی بسیج شده اند و حیطة فعالیت شان از بیکاری تا کار با کامپیوتر را در بر می گیرد. این جنبش ها بانبروهای ناراضی دیگر متحد شده اند و در برخی اوقات سرنوشت انتخابات و تصمیم گیری ها را تعیین می کنند. جزئیات این فعالیت ها در فصل سوم کتاب حاضر به تفصیل آمده است.

در فصل چهارم، یکی دیگر از پیامدهای عصر اطلاعات یعنی خانواده و جنسیت مورد بررسی قرار می گیرد. در ابتدای این فصل ابتدا ریشه های نظری فمینیسم به طور خلاصه ذکر می شود و پس از آن مسایل زیر مورد بحث و فحص واقع می شود:

- هویت جنسی و خانواده پدرسالار، - همجنس گرایی زنان در تایوان و سان فرانسیسکو، - هویت جسمی و بازسازی آن

نتیجه گیری کاستلز در انتهای فصل چهارم بسیار قابل توجه است. به عقیده او با ورود گسترده زنان به بازار اقتصاد اطلاعاتی و تکوین جنبش های اجتماعی قوی و همچنین با احیای هویت جنسی زنان، می توان پایان سیطره پدرسالاری را تصور نمود. این تصور معقول هنگامی به تصویری ملموس تبدیل می شود که زوال دولت به عنوان ناظر سلطه مردان بر زنان را در نظر بگیریم، اما کاستلز یک نکته دیگر را هم اضافه می کند که گویای نقش تعیین کننده

دولت است، او می‌گوید: «زنان باید همچنان از قدرت دولت استفاده کنند و توان یا ناتوانی زنان مشروط به شیوه استفاده از قدرت دولت است، همان‌طور که مردان چنین کردند.» «دولت بی‌قدرت» عنوان فصل پنجم است که در ادامه فصل چهارم به ابعاد تقلیل قدرت و نفوذ دولتی اشاره می‌کند. کاستلز پایان عمر

دولت سالاری به سبک نظریه پردازان مارکسیست (پولانزاس) را اعلام داشته و می‌گوید: «جریان‌های جهانی سرمایه، کالا، خدمات، تکنولوژی، ارتباطات و اطلاعات به

طور گسترده‌ای کنترل دولت بر زمان و مکان را تضعیف کرده‌اند... تلاش دولت‌ها برای ایجاد نهادهای فراملی موجب تحدید دامنه قدرت خود دولت‌ها می‌شود.» (ج ۲، ص ۲۹۷)

البته کاستلز مثل همیشه موضع یگانه و شفاف‌ی اتخاذ نمی‌کند. او ضمن اذعان به تخریب حوزه‌های قدرت دولتی، معتقد است دولت‌ها همچنان صاحب نفوذ هستند و به‌طور بالقوه توان ایجاد تغییرات مهمی را دارند.

ادامه فصل پنجم به تشریح اشکال تحول قدرت دولتی و پیامدهای آن اختصاص دارد. واپسین فصل جلد دوم، «سیاست اطلاعاتی و دموکراسی» در جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد. کاستلز ادعا می‌کند که با جهانی شدن امور و مسایل، دموکراسی بحرانی می‌شود؛ چون مرزها از هم می‌پاشد و مفهوم شهروندی

بلا موضوع و مسخ می‌گردد. فقدان مواضع مشخص و آشکار برای قدرت، به سست شدن کنترل اجتماعی و گسترش چالش‌های سیاسی می‌انجامد. پیدایش اجتماع‌گرایی ارادی باعث می‌شود تا توزیع قدرت سیاسی مخدوش گردد و با توزیع مخدوش قدرت سیاسی، دموکراسی بی‌معنا خواهد شد.

شواهد عینی فروپاشی قدرت سیاسی و امکان‌سنجی بازسازی آن مهم‌ترین موضوع فصل ششم است که به خوبی توسط مؤلف پرداخته شده است.

«قدرت هویت» با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد که کارگزار کلاسیک و سابق سلطه، کم‌اختیار گردیده است و بازیگران نوینی مانند جنبش‌های اجتماعی و نهادهای مداخله‌جو در کنار آن سربرآورده‌اند و قدرت به شکل شبکه‌ای و نامتمرکز، پراکنده شده است. در عصر اطلاعات، قدرت در علایم اطلاعات و در تصاویر رایج دهنده و نمایش دهنده‌ای نهفته است که جوامع مختلف، نهادهای خود را پیرامون آنها سازمان می‌دهند و مردم نیز بر محور آنها زندگی خود را می‌سازند و درباره رفتارهای خود تصمیم می‌گیرند. قرارگاه این قدرت ذهن مردمان است؛ هرکس یا هر چیز که برنده نبردی باشد که بر سر اذهان مردم در می‌گیرد، حاکم خواهد بود. (ج ۲، ص ۴۳۱)

است که «جهانی شدن و اطلاعات» به گونه‌ای شکل گرفته است که حاکمیت همه جانبه دولت در شوروی، توان استمداد از آن را پیدا نکرد و پروسترویکا هم مسکنی بیش نبود. جزئیات این فروپاشی و چرایی آن در فصل اول این جلد به خوبی تحلیل گردیده است.

۲) ظهور جهانی چهارم: سرمایه‌داری اطلاعاتی، فقر و حذف اجتماعی

با ظهور سرمایه‌داری اطلاعاتی، عده چشم‌گیری از جهانیان، از میدان مدرن بازی‌گری حذف شده و میلیون‌ها نفر در مناطق وسیعی از جهان از مزایای اطلاعات‌گرایی محروم مانده‌اند. با این توضیح، موضوعات اساسی که در فصل دوم تحلیل شده‌اند عبارت‌اند از: قطبی شدن جهان، انسانیت‌زدایی، رواج غارت، چپاول و استبداد در افریقا، گسترش نابرابری، فقر شهری و حذف اجتماعی در آمریکا، کشتار و شکنجه کودکان در جهان و رشد سرطانی تبعیض. کاستلز نتیجه می‌گیرد که منطق سرمایه‌داری، خلق سیاه‌چاله‌هایی است که عده‌ای با سقوط در آن، از همه مزایای عصر اطلاعات محروم می‌مانند و حذف اجتماعی تحقق عینی می‌یابد.

۳) جهانی شدن جنایت

کاستلز از پیدایش شبکه جهانی جنایت در دنیا یاد می‌کند که به موازات سرمایه‌داری جهانی،

جلد سوم: عصر اطلاعات؛ پایان هزاره
پایان هزاره، عنوان اختصاصی جلد سوم از مجموعه عصر اطلاعات، که متشکل از پنج فصل و یک نتیجه‌گیری است. مفروض اصلی کاستلز در جلد آخر کتاب این است که جهانی نو در حال شکل‌گیری است و عموم مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی واقعاً دگرگون می‌شوند. وی ابعاد این دگرگونی را در مجلدهای یک و دو توضیح داده است، لیکن در جلد سوم نیز به چهره‌های نوین تغییر و تأثیر اشاره می‌کند که چکیده آن بدین قرار است:

۱) ناتوانی دولت‌سالاری در مدیریت گذار به عصر اطلاعات

فصل اول «پایان هزاره» با بحث فروپاشی شوروی آغاز می‌شود. کاستلز ضمن تحلیل تکوین و تداوم حکومت کمونیستی در شوروی، به آسیب‌شناسی مدل رشد اقتصادی گسترده و صنعت‌گرایی مفرط می‌پردازد. این که چرا چنین عقیده‌ای نهایتاً به شکست انجامید و راه‌حل‌های رهبران شوروی برای ترمیم این معضل چه بود، از محورهای اصلی فصل اول کتاب است. کاستلز از فروپاشی شوروی به مثابه رویدادی تاریخی یاد می‌کند و نهایتاً نتیجه می‌گیرد که فروپاشی شوروی حاکی از ناتوانی دولت‌سالاری در مدیریت گذار به عصر اطلاعات است. به عبارت دیگر کاستلز معتقد

به بازیگری فعال تبدیل شده است و احتمالاً در سال‌های آینده، نهادهای اقتصادی و سیاسی را دگرگون خواهد ساخت. به عقیده کاستلز، فعالیت‌های جنایی در پی فروپاشی شوروی و با بهره‌گیری از بی‌نظمی جهانی ناشی از این ماجرا، متولد شد. بازیگران عرصه جنایت جهانی، حذف شدگان هستند. آنها که از

۵) هویت اروپایی و وحدت اروپایی

گردونه تولید و تجارت حذف شده‌اند، نقش مهمی در تداوم جنایت دارند و امروزه توانسته‌اند به سیستم‌های تجاری، بازرگانی و سیاسی همه جوامع رسوخ کنند. کاستلز می‌کوشد غفلت جهانی را از این ماجرا جبران کند و با پردازش هویت فرهنگی تبهکاران و تأثیر آنها بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی، ریشه پیدایش و شیوه اقدام آنها را تبیین نماید.

۴) گسترش سرمایه‌داری به حوزه اقیانوس آرام

کاستلز در کنار حذف شدگان نظام سرمایه‌داری اطلاعاتی، به منطقه جدیدی که اخیراً به منطقه سرمایه‌داران ملحق شده است، اشاره می‌کند. گسترش دامنه سرمایه‌داری به کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا موضوع اصلی فصل چهارم کتاب حاضر می‌باشد. کاستلز این گسترش را به فال نیک می‌گیرد و معتقد است که توسعه ژاپن و جذب شدن مناطق پویایی مانند چین، هند، شرق و جنوب شرق آسیا در سرمایه‌داری

جهانی، تاریخ را دگرگون کرده و مبنایی چند فرهنگی برای همبستگی اقتصادی ایجاد کرده است و این نشانه پایان سلطه غرب است که از همان آغاز ویژگی دوران صنعتی بوده است. چنین فرآیندی، وابستگی بحران‌های اقتصادی در قاره‌های مختلف را نیز نشان می‌دهد.

این‌که در راستای فرایند جهانی شدن کشورهای اروپایی چه وضعیتی پیدا می‌کنند، جواب مشخصی ندارد. این کشورها از یک سو در قالب «اتحادیه اروپا» گردهم آمده‌اند و وحدت نظام پولی که اخیراً صورت گرفت، نماد این داوری است. با وجود این حرکت، اروپا در آغاز هزاره سوم شاهد برخی تمایز و تفاوت‌های فرهنگی نیز هست و بدین ترتیب به تعبیر کاستلز، سرنوشت اروپا همچون سایر مناطق جهان به حل معماهای تاریخی بستگی دارد که معلول گذار به اطلاعات‌گرایی و انتقال از دولت ملی به تعامل جدید میان ملت‌ها و دولت - در قالب دولت شبکه‌ای - است. کاستلز در این فصل به تیغ دو دم همگرایی در اروپا اشاره می‌کند و خطر صاحبان هویت‌های متمایز را یادآور می‌شود. به نظر می‌رسد کاستلز روی محوری بسیار کلیدی انگشت گذاشته است. انتخابات اخیر فرانسه و اعتماد ۱۷/۵ درصد رای دهندگان به راست افراطی حاکی از

کارکرد دوگانه همگرایی است.

خواسته‌ها، ساخته‌ها و یافته‌های کاستلز

کاستلز در کتاب پربار و ارزنده خود می‌خواهد نظم و سیاق هزاره سوم را شناسایی کند. به عبارت دیگر، کاستلز با نگاه به تاریخ و نقد حال، می‌کوشد سیمای آینده را ترسیم نماید. او برای نیل به این مقصود، از رهیافتی مارکسیستی به فرآیند تحولات می‌نگرد. تحلیل‌های او مبتنی بر این پیش فرض است که جهانی شدن و اقتصاد اطلاعاتی واپسین مراحل حیات سرمایه‌داری است و مقتضیات این عصر را باید به عنوان فرآیندی منحوس ولی رهایی‌بخش، تحمل و شناسایی کرد. او هرگز از توسیع و توسعه نعمت سخن نمی‌گوید و اطلاعات را ثروتی می‌داند که خاص سرمایه‌داران است. ضمن این که این سرمایه برای حفظ شهروندان غرب و جهان صنعتی و مناطق سیاه و فقیر بکار گرفته می‌شود.

نمی‌توان دآوری نمود که کاستلز محق است یا نه، چون گستره و ابعاد مورد بحث او، جغرافیایی وسیع، تاریخی بلند و موضوعات گوناگونی را دربر می‌گیرد. آن چه از ملاحظه نکات اصلی «عصر اطلاعات» برمی‌آید این است که:

(۱) کاستلز از پیدایش جبری ساختار اجتماعی مسلط، اقتصاد اطلاعاتی - جهانی و یک فرهنگ مجازی سخن می‌گوید و آنها را زیربنای کنش و

نهادهای اجتماعی جهان به هم پیوسته تلقی می‌نماید. این دستاورد علمی، امری است صحیح و انکارناپذیر، که حاکی از دگرذیسی عوامل، مناطق و دقایق قدرت در جهان جدید است؛

(۲) «عصر اطلاعات» یک فرا روایت جدید را تبلیغ و تلقین می‌کند. بخش اصلی و کلیدی این فرا روایت، زوال و اضمحلال فرآیند فعلی به واسطه جریان در حال وقوع است. به عبارت دیگر کاستلز، از بی‌نظمی نوین و پیچیده‌ای که در بطن توالی امور و جریان‌هاست، یاد می‌کند بدون این که از خصیصه‌های بدیعی که در حال وقوع است، سخنی به میان آورد؛

(۳) اثر عظیم کاستلز به دلیل وسعت و تعدد موضوعات و مناطق مورد بررسی، از جوانب گوناگونی قابل نقد است. هر چند این نقد، منکر ارزش داده‌ها و تحلیل‌های وی نمی‌باشد، ولی این پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده است که اگر در عصر اطلاعات، عده‌ای توسط عده‌ای دیگر حذف می‌شوند و حذف شوندگان اقدام به حذف حذف‌کنندگان می‌کنند، این تقابل و انتقام چگونه، با کدام ابزار و با چه طرح و بدیلی قابلیت وقوع دارد؟ آیا عکس‌العمل‌ها به صورت انتحاری خواهد بود یا مبارزه‌ای همه جانبه درخواهد گرفت؟ ارزش فزاینده اثر حاضر نه به آینده پژوهی و افق‌بینی، که به تأمل و درنگ در وضعیت موجود است، هر چند این تأمل با ذهنیتی مارکسیستی صورت یافته است.